

ژوزف پاژستکا
ترجمه: بابک قهرمان

ابعادا جتماعی توسعه

قسمت سوم

کشورها با در نظر گرفتن مسئولیتی که در نیل به آینده خود دارند باید راه حل های مناسب خود را بیابند .

استدلالها و مشاهدات فوق بطور ضمنی دامنه تعهدات سیاستهای توسعه را نیز در برمی گیرند . اینها در این اصل مسلم خلاصه میشوند که دامنه تعهدات منتج از سیاستهای توسعه ، که متضمن تغییرات فعال اجتماعی و اقتصادی نیز هستند ، تمامی اقتصاد يك جامعه و تمامی اعضای جامعه را در برمی گیرد . اگر بخواهیم که از طریق افزودن بر میزان فعالیتها ، لیاقتها ، استعدادها و مدیریت انسان بر کارائی اقتصادی جامعه بیفزائیم ، باید به عوامل حساس میزان رشد اجتماعی فعالی يك جامعه و سرعت دریافت مختصات جدید اجتماعی و اقتصادی توجه کافی داشته باشیم .

پاوجود قاطعیتی که استدلال فوق دارد - و تقریبا عدم امکان وجود استدلال مخالفی که دارای قوت مشابه باشد - آنچه که در سیاست توسعه کشورهای در حال رشد می آید ، اصل مسلم مذکور را در نظر نمی گیرد . در حقیقت باید گفت که اصل فوق ، با روح نظام فکری اقتصادی مورد استفاده تقریبا کلیه کشورهای در حال توسعه ، که برنامه های توسعه از آن مشتق میشوند ، در تناقض است .

در تجزیه و تحلیل های اقتصادی ، میزان توسعه تابعی از سرمایه و ظرفیت واردات محسوب می شود ، نه از عوامل انسانی و استعداد او در بالا بردن کارائی اقتصادی . در حال حاضر ، میزان و یا سرعت توسعه ، از بعضی

با توجه به آنچه گفته شد ، می توانیم به نتایج زیر برسیم :

۱) چون عامل انسانی در افزایش کارائی اقتصادی يك جامعه اهمیت کاملی دارد ، در تعیین سیاستهای توسعه کشورهای در حال رشد ، تغییر انسان - یعنی تغییر رفتار و مختصات اجتماعی و تولیدی وی - باید مورد توجه کامل قرار گیرد .

۲) بکار بردن روشی ، شبیه روش فوق ، امکان هماهنگ کردن هدفهای توسعه اجتماعی و اقتصادی را فراهم می سازد . نیل بیک چنین هماهنگی باید یکی از هدفهای اصلی هر نوع سیاست توسعه باشد .

۳) سیاست توسعه ای که برای تغییر انسان بکار میرود ، تنها از طریق بالا بردن هزینه های اجتماعی و دعوت به تغییر عملی نمی شود . این سیاست باید بشکل برنامه ای جامع و عملی عرضه شود که جمیع عوامل مؤثر بر انسان را در خود گرد آورده باشد . اهمیت و ماهیت تغییرات مورد لزوم همجا یکسان نیست . اینها بسته به عرف و قانون ، روابط منتج از مالکیت ، نهادهای اجتماعی و اقتصادی ، سازمان فعالیت های اجتماعی ، برنامه های آموزش و غیره ، و با توجه به استحکام و یا سستی ساخت (۱) های موجود و روابط و سنتی که در مقابل فرایند توسعه و کارائی اقتصادی ایجاد طمع میکنند ، شدت و ضعف می یابند . جاه طلبی ها و امیال يك ملت نیز از عوامل مهم تعیین امکان چنین تغییرهایی هستند . انتخاب افرادی که به تعیین نهائی و اعمال برنامه های عملی توسعه می پردازند ، مسئله ایست سیاسی و قابل انعطاف .



معادلات جبری بدست میآید که فقط از چند متغیر اقتصادی تشکیل یافته است ، یا در نظر گرفتن این موضوع که از میان کلیه عوامل متغیر اقتصادی فوق ، وسائل سرمایه‌گذاری نقش اساسی‌تری دارند . در این معادلات ، انسان از یک « عامل محدودکننده » فراتر نمی‌رود . در نتیجه ، تعداد انسان‌هاییکه در میدان فرایند توسعه می‌افتند ، به میزان سرمایه‌گذاری ثابت بستگی خواهد داشت . بهمین دلیل است که قسمت اعظم یک جامعه در حوزه عمل برنامه‌های توسعه قرار نمی‌گیرند .

یکی از مختصات ویژه تعدادی از کشورهای در حال توسعه ، دو بنی‌بودن ساخت آنهاست . بدین معنی که ، بخشی مدرن که از عوامل نسبی بالای کارائی اقتصادی برخوردار است ، و بر روی سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی رشد میکند ، با بخشی سنتی و بخور و نمیر همزیستی دارد . بخش سنتی عملاً از نیروی تمام تغییرات اجتماعی و اقتصادی بدور است . رفاه مردم و کارائی اقتصادی آنها ، در بخش سنتی ، تقریباً همانست که بیست یا حتی صد سال پیش بود . از اینرو ، مثلاً ، مطابق تخمینی که بعمل آمده ، ارزش افزوده (۲) سرانه در آفریقا (بر اساس قیمت‌های ثابت) در بخش سنتی در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ بطور متوسط سالانه معادل یک نهم درصد بوده است . در بخش سنتی بسیاری دیگر از کشورها ، انگاره اقتصادی مشابهی ، مشاهده میشود . اختلاف سطوح درآمد سرانه‌ایکه در بسیاری از کشورها ، مشاهده می‌گردد ، بمقدار زیادی ، از اختلاف سطوح بخش‌های مدرن این کشورها ، که اغلب غیر بومی‌اند و بیشتر بر اثر شرایط طبیعی ایجاد شده‌اند ، پدید آمده‌اند . در حالیکه قشرهای مختلف اجتماعی در شرایط ثابت و پائینی باقی مانده‌اند . از داده‌های آماری چنان برمیآید که در قاره آفریقا درآمد سرانه بطور قابل ملاحظه‌ای در حال بالا رفتن است . این داده‌ها انسان را باین نتیجه خوش بینانه می‌رسانند که کشورهای قاره آفریقا در مسیر یک فرایند همگانی و پویایی از پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی افتاده‌اند . این حکم گمراه‌کننده‌ای است . اکثریت جمعیت - در بسیاری موارد ۷۰ درصد از آن - یا بکلی از فرایند دوراند ، و یا در محدوده بی‌تحرك و فقیر آن قرار گرفته‌اند . این‌ها تا اندازه‌ای از نتایج تغییرات - که همیشه مثبت نیستند - برخوردار میشوند ، ولی هرگز نقشی در خلق این تغییرات و توسعه آن ندارند .

اهمیت این موضوع ، تنها در آن نیست که قشرهای وسیعی از اجتماع از نتایج مثبت توسعه اقتصادی بی‌بهره میمانند . بدیهی است اگر تمام جامعه نوسازی شود و کارائی اقتصادی آن بالا رود ، نتیجه توسعه بمراتب چشمگیرتر خواهد بود . فقط با فراهم آوردن شرایط مذکور می‌توان ، در تمام سطوح ، بحد اکثر رشد نائل گردید .

بدون شك ، بعضی ممکن است در واقع فواید اصلی که می‌خواهد همراه با تغییر دادن کلی رفتار انسان‌ها ، تمامی بخش‌های اجتماع را دربرگیرد توسعه شریك سازد ، تردید کنند . بگذارید این موضوع را کاملاً روشن کنم که ، مسئله تنها در تغییر محیط انسان به مکانی بهتر ، از طریق سرمایه‌گذاریهای کلان و در نتیجه بالا بردن کارائی اقتصادی نیست . مسئله به کلیه تغییرات دیگری که می‌تواند بتوسط یک اجتماع انجام پذیرد و به سیاستهایی که تأثیر مثبتی بر روی فعالیت و کارائی اقتصادی مردم دارند ، نیز مربوط میشود . من معتقدم که این اصل واقع گرایانه‌ایست . اعمال این تغییرات باید به‌صورت اصلاح گران خود کشورها واگذار شود ، چه ، اینها هستند که به شرایط ، امکانات و آمال کشورهای خود آشنائی دارند .

پیاده کردن سیاستی که بتواند از طریق تغییرات اجتماعی و نهادی ، بایجاد پویایی اجتماعی بپردازد ، آثار و مفاهیم ضمنی اقتصادی متعددی نیز دارد که در این رساله باید درباره آنها بحث کرد . بخصوص که ، یکی از هدفهای اساسی ، بوجود آوردن هماهنگی بین برنامه‌های توسعه اجتماعی ، راه حل‌های اصلی اقتصادی است .

مفاهیم ضمنی سیاستهای بنیانی

هر سیاست توسعه متضمن بعضی تصمیمات بنیانی است که بمقدار زیادی فرایند توسعه را تحت تأثیر قرار میدهد . لازم است که اینگونه تصمیمات با در نظر گرفتن عوامل اجتماعی و نتایج آنها در فرایند توسعه که قبلاً مورد

بحث واقع شدند ، اتخاذ گردند .

در این زمینه ، یکی از مسائل اصلی ، اولویت نسبی صنعتی کردن از یک طرف ، و توسعه کشاورزی از طرف دیگر است . سیاست‌های بنیانی مورد اتخاذ در این باره ، از روابطی که بین بخش مدرن و بخش سنتی وجود دارد پیروی می‌کنند . بدین معنی که صنعتی کردن فقط در بخش مدرن صنعتی آنگاه بطور فشرده اعمال میشود ، و فعالیت‌های کشاورزی در بخش سنتی .

ما در چهارچوب نظریه کلی خود معتقدیم که در اولویت‌های صنعتی کردن و کشاورزی باید تعادلی برقرار باشد . از اینروست که یک سیاست توسعه باید در ضمن اینکه حاوی برنامه منظمی برای صنعتی کردن است ، حاوی برنامه‌ای برای تغییر و توسعه کشاورزی سنتی نیز باشد . وانگهی ، در کشورهاییکه امکانات صنعتی کردن محدود است ، انجام اصلاحات و اعمال توسعه در بخش کشاورزی سنتی باید در برنامه کلی توسعه ، محل بیشتری داشته باشد .

لزوم یک توسعه متعادل در صنعت و کشاورزی نتیجه‌ایست کلی ، که از تجربه کشورهاییکه مرحله صنعتی کردن فشرده را پشت سر گذاشته‌اند حاصل شده است . مسئله را که از نقطه نظر اثرات متقابل توسعه دو بخش صنعتی و کشاورزی بنگریم می‌بینیم که در اغلب مواقع رشد کند کشاورزی ، توسعه صنعتی یک کشور را سد کرده ، و در موازنه پرداخت‌ها و فعالیت‌های بازار ، مشکلات و مسائل بزرگی بوجود آورده است . حتی اگر برای عادی کردن فعالیت‌های بازار نیز که باشد ، تعادل بیشتر بین صنعت و کشاورزی توجه بیشتری را ایجاب مینماید . بعلاوه ، باید در نظر گرفت که توسعه کشاورزی :

اولاً ، اثرات مفید فرایندهای تغییر و تبدیل و پیشرفت را در وسیعترین حد ممکن قشرهای اجتماعی که دور از حیطه پیشرفت و نتایج حاصله از آن قرار دارند ، توزیع مینماید . در غیر اینصورت ، سالها طول می‌کشد تا قشرهای وسیعتر اجتماع در پیشرفت وارد شوند .

ثانیاً ، از فاصله بین مردم بخش کشاورزی سنتی و نخیه‌های روشنفکر و صنعتی پدید می‌آید ، در نتیجه ، قابلیت تحرك عمودی اجتماع افزایش می‌یابد ، و در خصوص کاهش اختلاف فرهنگی و اختلافات دیگر ، بر روی توسعه صنعتی اثر می‌گذارد .

ثالثاً ، از طریق افزودن بر میزان مواد غذایی ، اعمال سیاستهای لازم برای ایجاد اشتغال کامل جامعه را آسان‌تر میکند که خود فواید اجتماعی و اقتصادی دیگری را بوجود می‌آورد .

برهان جانبداری از اولویت‌های متعادل توسعه ، فقط در مورد سرمایه‌گذاری‌های ثابت صادق نمی‌افتد . این برهان ، برنامه‌های توسعه را در معنای وسیع آن که شامل اصلاحات ارضی ، توزیع و بازاریابی (۳) بهتر محصولات کشاورزی ، توسعه و کاربرد روش‌های سمعی و بصری ، سازمان دادن فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ، آموزش‌های حرفه‌ای کشاورزی و غیره نیز باشند ، در بر می‌گیرد . بعلاوه ، فراهم آوردن تسهیلات اعتباری و انواع دیگر کمک‌های کشاورزی ، خود دارای اهمیت بسیار زیادی است .

در این اواخر خوش بینی کم و بیش زیادی در مورد توسعه کشاورزی درآینده ، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوجود آمده است که زائیده ابداعاتی تکنیکی است که گمان می‌رود به « انقلابی سبز » بینجامد . این ابداعات ، بهیچوجه از احتیاج میرم دست زدن به فعالیت‌های توسعه‌زا در جهت تغییر رفتار انسان و ایجاد تغییرات ضروری اجتماعی و نهادی برای رسیدن به هدف ، نمی‌کاهند . حتی پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها را نمی‌توان جایگزین کارائی بیشتر اقتصادی حاصل از توسعه قابلیت‌های انسان و کیفیت روابط اجتماعی کرد .

ادای این گفته‌ها نباید بهیچوجه از اهمیت نقش حساس صنعتی کردن بعنوان وسیله‌ای برای انجام تغییرات بنیانی و نیل به پیشرفت کلی اقتصادی ، بکاهد . در حقیقت ، توسعه کشاورزی بدون رشد صنعتی از ضمانت کافی برخوردار نخواهد بود . هیچگونه انتقادی متوجه نفس توسعه صنعتی نیست . انتقاد متوجه آن نوع از توسعه صنعتی است که به تنهایی و ناهماهنگ با رشد سایر رشته‌ها ، بخصوص رشد بخش کشاورزی سنتی که قسمت اعظم جمعیت یک کشور را در بر می‌گیرد ، اعمال میشود . یا استدلالی ، شبیه استدلال فوق ، می‌توان انتقاداتی در زمینه انگاره‌های بنیانی توسعه صنعتی بعمل آورد .

توسعه‌ایکه عوامل اساسی اقتصادی را در نظر نگیرد و یا از خواست های اضطراری يك جامعه بی‌خبر باشد ، موفق نخواهد بود .
در تجزیه و تحلیل هر فرایند توسعه ، لازم است بین راحل های اجتماعی و راحلهای اقتصادی تعادل معقولى بوجود آورد ، و برای نیروهای اجتماعی همان اندازه ارزش قائل شد که برای عوامل اقتصادی . يك واقعیت اجتماعی و اقتصادی يك کل کامل است و يك فرایند توسعه ، يك موجودیت (ع) کامل . فهم سطحی و يك جانبه این فرایند ، جلوی هر گونه فعالیت مؤثر و معقولى را سد میکند . بهمین لحاظ ، لازم است که بیعت بیشتر این جنبه خاص ، که اغلب نادیده گرفته میشود ، پرداخت .

عدالت اجتماعی وسیعتر بعنوان هدفی برای توسعه

سیاستی که ما پیشنهاد کردیم ، بر اساس تغییرات اجتماعی مدبرانه‌ای (ه) که تمام جامعه را در بر خواهد گرفت ، استوار است . ولی گرچه این سیاست از روی تدبیر و برنامه تعیین می‌گردد ، با این وجود بدون حمایت همگانی و شرکت فعال جامعه ، بجز يك روش بی‌اثر چیزی نخواهد بود . این نوع حمایت و شرکت فقط وقتی امکان پذیر خواهد بود که تمام قشرهای جامعه از سیاست های توسعه ، استفاده برند . همانطور که قبلاً نیز گفتیم ، بین مفاهیم « توسعه متوسط چه کسی » و « توسعه برای چه کسی » باید رابطه فعالی وجود داشته باشد .

این بدان معناست که در توزیع فواید حاصله از سیاست توسعه ، عدالت اجتماعی باید مقام بزرگی داشته باشد ، و این ممکن نخواهد بود مگر آنکه سیاست توسعه یا توجه به تجارب تاریخی انسان ، خود سیاست عادلانه‌ای باشد . عدالت اجتماعی علاوه بر اینکه از ابتدای تاریخ تنها هدف کاملاً شناخته شده انسان بوده است ، می‌تواند برای پویائی بیشتر توسعه اجتماعی ، وسیله فیرومندی باشد . لیکن این هدف بالقوه‌ایست که برای توسعه فعالی اجتماعی باید به‌فعالیت درآید .

در يك سیاست عمومی توسعه ، عدالت اجتماعی عاملی کاملاً ضروری است . لیکن ، برای ایجاد پویائی در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی به تنهایی کافی نیست . عدالت عاملی نیست که بتواند جایگزین کارائی و عوامل ایجاد پویائی در توسعه ، گردد . یا يك سیاست توسعه تھی از تدابیر سازمانی و اقتصادی و تدابیر دیگر ، شاید بتوان عدالت بالاتر نائل شد ، ولی احتمال رسیدن به پیشرفت بیشتر ممکن نیست . در اینجا ما با همان مسئله اساسی و قدیمی که آیا عدالت اجتماعی بالاتر ، به کارائی اقتصادی می‌افزاید و یا از آن میکاهد ، روبرو هستیم . این ، بهیچوجه ، يك مسئله نظری نیست . این یک سوالی است که به معنی واقعی که سیاستهای توسعه اجتماعی و اقتصادی بر اساس آن تدوین میشوند .

فرایند فعلی رشد در بسیاری از کشورهای در حال رشد ، اختلاف فرایند های در سطح زندگی طبقات مختلف اجتماعی ، گروههای قومی و نواحی مختلف يك کشور بوجود می‌آورد . این فرایند باعث بوجود آمدن رکود اقتصادی ، فقر ، گرسنگی میگردد و قسمت‌های بزرگی از جامعه را کاملاً بیرون از فراگرد توسعه ، و قسمتی دیگر را در حاشیه آن نگه میدارد . تفاوت بین حداکثر و حداقل شرایط زندگی و کار و همچنین امکانات ، در کشورهای در حال رشد ، بهرآب بیشتر از کشورهای سرمایه‌داری کاملاً پیشرفته است . همان تفاوتی که مابین درآمد سرانه کشورهای غنی و فقیر دیده میشود ، درست در میان طبقه مرفه و طبقه فقیر يك کشور ، منتهی بنا نتایج اجتماعی و سیاسی فوری‌تر ، نیز مشاهده میگردد .

گفته میشود که احتراز از این تفاوت‌ها امکان ناپذیر است . صاحبان این طرز تفکر معتقدند که برای عبور از اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن ، بخصوص در مراحل اول این عبور ، وجود این تفاوت‌ها ضروری است . دلیل ارائه شده اینستکه توسعه در ابتدا فقط در بعضی نواحی انجام می‌پذیرد و موقتاً بقیه نواحی را شامل نمی‌شود . این نواحی یا برای کشت محصولات پر سود مناسبند و یا از منابع معدنی برخوردارند ، یا اینکه بعضی صنایع را بخود جذب کرده‌اند . پرهان مشابهی نیز ، با بعضی تغییرات ، برای توجیه بقیه در صفحه ۵۸

مسائل بیانی صنعت اغلب از نقطه نظر رابطه توسعه صنعتی يك کشور با تجارت خارجی آن مطرح میشوند ، از اینرو ، صنعت بیشتر از طریق اثری که بر تجارت خارجی می‌گذارد ارزیابی میگردد . روش‌هایی که برای ارزیابی طرحهای سرمایه‌گذاری بکار میروند ، اغلب به تجارت خارجی اهمیتی اساسی و یا استثنائی میدهند . باوجود اینکه ، من قصد ندارم در اینجا به بحث درباره این روش بپردازم . متذکر میشوم که نقش مهم تجارت خارجی در پیشرفت‌های تکنولوژیکی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه ، چیزی نیست که قابل انکار باشد . نکته مورد نظر من اینستکه ، چرا بهمان اندازه‌ایکه معیار تجارت خارجی مورد توجه قرار می‌گیرد ، تاثیر بنیان صنعتی و سیاستهای سرمایه - گذاری بر روی جامعه ، مد نظر نیست . من شخصاً معتقدم که انگاره‌های توسعه صنعتی و بخصوص اثرات بیانی آن ، باید در درجه اول ، با در نظر گرفتن اقتصاد داخلی ، و یا بحق اقتصاد تمام جامعه ، منجمله توده‌های بخش سنتی مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرند . این باید عامل اصلی رابطه صنعت با بخش های دیگر اقتصادی باشد ، و هر گونه رابطه‌ایکه ممکن است صنعت با تجارت خارجی پیدا کند باید در درجات پائین‌تر اهمیت قرار گیرد .
از این گفته‌ها ، بخصوص در مورد جنبه‌های بیانی توسعه صنعتی و انگاره‌های تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری نتایجی حاصل میشوند که باید با توجه به اثر آنها بر حوزه‌های زیر مورد توجه قرار گیرند :

- (۱) در اشتغال و در نتیجه ، در درآمد .
- (۲) در بالا بردن استعدادهای و قابلیت های مردم .
- (۳) در پیشرفتی که در دیگر بخش‌ها ، بخصوص در کشاورزی بدست می‌آید .

(۴) در انگاره‌های مصرف و غیره
از لحاظ نظری ، روش پیشنهادی ما ، بعلافت نامتجانس بودن ماهیت اثرات متعددی که قبلاً به بحثشان پرداختیم و غیر قابل مقایسه بودن اندازه و حجم آنها ، دارای نقاط ضعف چندی است . ولی نقص اصلی اصولاً در جا افتادن و مورد قبول قرار گرفتن ضابطه یا فرمول جمع و جور و ساده‌ایست که فقط بر اساس معیارهای متجانس و کمی تهیه شده است . این بهیچوجه نباید مانع و یا اشکالی در ارائه دادن خطوط اصلی سیاست‌ها بوجود آورد . مگر نه اینستکه در عمل ، در تمام موارد ، به مسائلی برخورد می‌کنیم که بدون داشتن معیاری واحد ، متجانس و قابل اندازه‌گیری ، مجبور به اتخاذ تصمیم می‌شویم . چرا این قاعده را در چهارچوب وسیعتری بکار نبریم ؟ اینکه حتی يك فرمول یا ضابطه راحت برای این منظور مشکل است ، نباید بهیچوجه بمنزله مانعی بر طرف ناکردنی در کار ، عمل کند .

برای اینکه بحث ما زیاد انتزاعی نباشد ، لازم است بگوئیم که در کشورهای در حال رشد ، معیار ما ، اگر قبول شود ، بر روی بخش‌های متعددی اولویت های درجه اولی قائل خواهد شد . حال چنانچه اینها به کشاورزی مربوط باشند (کود ، ابزار و ماشین‌آلات کشاورزی) ، یا بهداشت (وسائل و ابزار بهداشتی و غیره) ، یا لوازم آموزشی و فرهنگی (کفشد ، وسائل آموزشی ، کتاب و غیره) ، یا آموزش های حرفه‌ای (ابزار مکانیکی و الکتریکی) ، یا مسکن (مصالح ساختمانی ارزان قیمت ، هیز و صنایع) و یا وسائل خانگی و غیره .

ضروری است باز هم متوجه شویم که در برنامه‌گذاری توسعه و سیاستهای بسیاری از کشورهای در حال رشد ، برای صنایعی از این نوع هنوز باید اولویت درجه اول قائل شد ، و با آنها یاری داد که متناسب با اهمیت خود در توسعه شرایط زیست انسان ، بیشتر از احتیاجات محدود فعلی بازار این کشورها رشد یابند . البته ، قصد ندارم بگویم که بخش‌های صنعتی فوق که صرفاً برای مثال آوردم ، می‌توانند به تنهایی احتیاجات يك برنامه صنعتی کننده را برآورند .

می‌توانیم ، فراتر برویم و روش خود را در مورد سیاستهای لازم برای توسعه علم و تکنولوژی ، و دیگر سیاستها نیز بکار بندیم . ولی گمان میکنم آنچه که تا بحال گفته‌ام قضیه را باندازه کافی روشن ساخته باشد .

ولی نقش نیروهای اجتماعی و تغییرات اجتماعی و نهادی در فرایند توسعه ، احتیاج به بحث زیادتری دارد . قصد من از تاکید بر روی این نیروها ، بهیچوجه انکار نقش عوامل اقتصادی ، بمعنای اخص آن ، نیست . سیاست

نهضت ترجمه در عهد قاجاریه (بقیه)

- علی اکبر مهتدی انتشار یافته است .
- ۷ - ملالاله زار - حکمت ناصریه یا حکمت دیاکرت (تهران - ۱۳۷۹ قمری) ص ۱۳۵ - ۱۳۶
- ۸ - آکساندر دوما - لوئی چهاردهم و قرن و عصرش - محمد طاهر میرزا (تهران ۱۳۱۵ قمری) جلد دوم ص ۱ و ۲
- ۹ - اوگوست ماکت - دبل کابریل - حاج علیقلیخان سردار اسعد (تهران - ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری) جلد دوم ص ۲
- ۱۰ - کنت دلاسکار - تاریخ سنت‌ها - علیخان (فرزند محمد طاهر میرزا) (تهران - ۱۳۱۸ قمری) جلد دوم ص ۲ و ۳
- ۱۱ - بوسوئه - تاریخ فردرک گیوم - شاهزاده محمد طاهر میرزا (تهران - ۱۳۱۷ قمری) ص ۲۶ و ۲۷
- * جرج رنولدز - بوسه عنبرا - صدرالمعالی (تهران - ۱۳۳۶ قمری) ص ۵ و ۶

- ۱۲ - همان کتاب ص ۱۴۹ - جلد اول - از این کتاب چاپ جدیدی نیز با این مشخصات درست است . بوسه عنبرا - سید حسین خایری (صدرالمعالی) (تهران - علی اکبر علی - ۱۳۴۸ شمسی)
- ۱۳ - آکساندر دوما - هانری چهارم - میرزا محمدامین دفتر (تهران - شعبان ۱۳۲۳ قمری) ص ۱۶۷ - ۱۶۸
- ۱۴ - سید عبدالحسین کرمانی - تاریخ شورش روسیه (تهران - ۲۰ شوال ۱۳۲۷) ص ۲۹۱ - ۲۹۲
- ۱۵ - همان کتاب ص ۱۵
- ۱۶ - ایضا - ص ۱۰۶ - ۱۰۷

- ۱۷ - آکساندر دوما - آدولف تییر - و ؟ - دوره تاریخ انقلاب کبیر فرانسه (تهران - مطبعه برادران باقرزاده - ۱۳۳۱ قمری) جلد سوم ص ۱۸
- ۱۸ - مینیه - انقلاب کبیر فرانسه - عبدالله مستوفی (تهران - شرق - ۱۳۰۶ شمسی) و - آلبرماله - قرن هیجدهم و انقلاب کبیر فرانسه - رشید یاسینی - (تهران - ابن سینا - ۱۳۳۲) و - رابرت روزل پالمر - تاریخ جهان نو - ابوالقاسم طاهری (تهران - امیر کبیر - ۱۳۴۹) و چند کتاب دیگر

- ۱۹ - هانری گالی و فواد ثنائی بیک - تاریخ اقصای شرق یا محاربه روس و ژاپون - میرزا باقرخان مترجم تبریزی (تهران - کتابخانه حاجی شیخ احمد - ۱۳۳۳ قمری) ص ۲۵۲ - ۲۵۳

شایعات جهازات ژاپن - داخل خلیج (کر) که خیلی محفوظ و عمیق و از حیث مخاطرات تورپیل‌ها محل دقت بود (امیرال کاناغونا) باسفاین تورپیل دار خویش مامور برداشتن آنها شده و غالب آنها را رفع و ازاله نمود در این اثنا یک کشتی جنگی یکی از آنها برخورد کرده مشتعل و مغروق گشت و در چهاردهم مه زره پوش (مسیاکوی) ژاپونی هم در همان بندر بواسطه قضای احتراقی غرق یافت و با وجود این سلسله خسارات ژاپونی با اینها محدود نشده فردای روز مزبور فرود از در کوچک [اژدرانداز کوچک] با زره پوش های (پوشینو) و (بانسوزه) دچار خسارات مهیسه شدند و... (۱۹) (پایان قسمت اول) ادامه دارد

زیر نویس (قسمت اول)

- ۱ - یحیی آرین پور - از صبا تا نیما (تهران - جیبی - ۱۳۵۱) جلد اول ص ۲۴۸
- ۲ - برای اطلاع بیشتر ، نگاه کنید به کتاب ایرانیان ارمنی - اسماعیل رائین
- ۳ - ولتر - پتر کبیر - شارل نوازدهم - میرزا رضا مهندس - تبریز - ۱۳۳۷ قمری) ص ۲۲۱
- ۴ - همان کتاب . ص ۱۸۰ - ۱۸۱ - از این کتاب ترجمه جدیدی نیز با این مشخصات درست است . ولتر - شارل دوازدهم - فواد رسام - (تهران - ۱۳۳۶ شمسی)
- ۵ - ایضا - ص ۱۲۷ - ۱۲۸
- ۶ - ادوارد گیبون - تاریخ تنزل و خرابی دولت روم - میرزا رضا مهندس (۱۳۴۷ قمری) (این نسخه خطی ، بخط خود میرزا رضا ، شماره ۶۶ در کتابخانه ملی به ثبت رسیده است . شماره صفحه‌ای که از آن نمونه داده ام ۱۷۷ است)

از این کتاب ترجمه جدیدی با این مشخصات در دست است . ادوارد گیبون - انحطاط و سقوط امپراطوری روم - بولقاسم طاهری - (تهران - جیبی - ۱۳۴۷) . و در باره همین مسئله ، کتاب دیگری اثر منسکیو با ترجمه

ابعاد اجتماعی توسعه (بقیه) نگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

تفاوت بعضی و فقر بعضی دیگر بکار می‌رود . بالاخره می‌گویند ، که اولاً تفاوت بالای درآمدها باعث ایجاد انگیزه برای فعالیت بیشتر می‌گردد و ثانیاً درآمدهای بزرگ به پرافتخار بیشتر و در نتیجه سرمایه‌گذاری منجر می‌شوند این براهین ، و براهین معمول و کلی دیگر را برای توجیه اختلاف های زیاد و فزاینده فعلی کشورهای در حال رشد اقامه می‌دارند . بدون شك توسعه حاصل از اختلاف های زیاد و بیعدالتی اجتماعی ، يك واقعیت است . واقعیتی که دارد در مقیاسی وسیع بوقوع می‌پیوندد . لیکن ، واقعیات نه ضرورتها را توجیه می‌کنند و نه موجودیت راههای دیگر را انکار . براهین نظری ، نمی‌توانند ثابت کنند که توسعه بر اساس عدالت اجتماعی غیر ممکن است و یا پویائی کمتری دارد . برعکس ، بعضی معتقدند که عدالت اجتماعی عامل چنان مهمی است که باید رشد بالاتر توسعه اقتصادی را فدای آن ساخت . این عقیده‌ایست قابل قبول . در واقع ، می‌توان میزان رشد بالاتر را انتخاب کرد و یا هدفهای مهم دیگر اجتماعی و اقتصادی را . معیناً ، این را هم نمی‌توان بسادگی قبول کرد که عدالت اجتماعی وسیعتر ، بعنوان يك قاعده ، از کارائی اقتصادی و در نتیجه از میزان رشد می‌کاهد . این عقیده هرگز بتوسط تجربه اثبات شده است . در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری ، سطح اقتصادی ، بهیچوجه تابعی از تفاوت‌های اقتصادی نیست .

- ۱) Structure ، بعضی اوقات بنیان ترجمه کرده‌ام .
- ۲) Value added
- ۳) Marketing ، به پیشنهاد دکتر منوچهر فرهنگ .
- ۴) Entity
- ۵) Engineered